

میزگرد رادیوفردا: احزاب سیاسی، از مهمترین ملزومات دموکراسی

۲۹ ژوئن ۲۰۰۳

شهران طبری (رادیوفردا): هفته پیش در میزگرد جمعه، بیست ژوئن، بحثی را آغاز کردیم درباره احزاب و ملزومات دموکراسی و یکی از مهمترین ملزومات عملی دموکراسی را وجود احزاب سیاسی با برنامه های مشخص سیاسی خواندیم. احزابی که بتوانند در همین جامعه کنونی ایران، چه در داخل و چه آنها که به علت عقایدشان به خارج رانده شدند، در خارج از ایران اعلام موجودیت کرده، شروع به عضو گیری در سطح وسیع کنند. همگی در بحث قبول کردند که در صورت وجود چنین احزابی است که میتوان طلب مشارکت در فرایند سیاسی روز کرد و مثلا خواهان آن شد که دولت کنونی استعفا دهد و انتخابات آزاد با شرکت تمام احزاب ایرانی برگزار شود. رادیو فردا در میزگرد امروز برای ادامه این بحث، از دو تن از آقایان از دو نحوه سیاسی مخالف به یکدیگر دعوت به سخن کرده است. دو گرایش و نحوه ای که نه تنها به حق وجودی یکدیگر و سایر گرایشهای سیاسی احترام می گذراند، که وجود یکدیگر را شرط بقای خود و جامعه ای دموکراتیک، با ثبات و منصفانه می شمارند. آقای بابک امیر خسروی و آقای داریوش همایون. سئوالی که برای ادامه این بحث می توانیم مطرح کنیم، این است که با توجه به شرایط تاریخی مبارزات سیاسی در ایران کنونی به طور مشخص، چه احزابی می توانند بازیگران صحنه سیاسی ایران باشند و در راه برآورده کردن آرزوی ۱۵۰ ساله مردم ایران برای دموکراسی، نقش تعیین کننده داشته باشند. اگر موافق باشید با آقای داریوش شروع کنیم. بفرمایید.

داریوش همایون: از نظر اصولی همه احزاب و هر گرایشی، باید بتوانند فعالیت کنند و تشکیل شوند، ولی از نظر عملی با توجه به تجربه تاریخی مردم ایران، گرایشهای افراطی چه در چپ چه در راست، چه مذهبی، اینها بی اعتبار شدند و برنامه های سیاسی شان شکست خورده است و در نتیجه تصور می رود که گرایشهای میانه رو، چه در چپ و چه در راست، بخت بیشتری دارند برای گرد آوردن هواداران و عرضه خودشان به توده رای دهندگان. این احزاب چپ و راست میانه، البته با توجه به اینکه خط میان چپ و راست خیلی مبهم شده است و در کشورهایی که فرآیند سیاسی جا افتاده است و دموکراسی هر روز عمل میشود، تفاوتهای فاحشی میان احزاب راست و چپ میانه نیست. ولی شاید در ایران با توجه به اختلافات شدیدی که در همه زمینه ها از جمله تاریخ معاصر ما میان گروههای سیاسی است، تفاوتها برجسته تر و شدیدتر باشد، تا اینکه پس از یک دوره امیدوارم نسبتا کوتاه ما هم بتوانیم بصورت عادی در میدان سیاسی با هم رقابت کنیم.

ش. ط: آقای امیر خسروی، شما هم همین نظر را دارید یا متفاوت هست نظرتان؟

بابک امیر خسروی: اصولا من موافق هستم، یعنی به این معنی که جریانهای سیاسی که مشی سیاسی مسالمت آمیز را دنبال می کنند و در پی راه حلهای میانی هستند، اینها عمدتا شانس بیشتری دارند و این هم به این دلیل است که در واقع جامعه ایران از نقطه نظر قشر بندی، به صورت یک جریان خیلی وسیع اقشار میانه جامعه است که عمده شده، یعنی الان فرض کنید تعداد فرهنگی ها، تعداد کارمندان دولت، روشنفکران ایران، دانشجویان ایران یا تولید کنندگان میانه، اینها شاید ۷۰٪ جامعه ایران را تشکیل می دهند. طبیعی است که یک چنین صورتبندی اجتماعی، تاثیرات سیاسی نداشته باشد. طبیعتا این اقشار میانه، همواره در پی راه حلهای مسالمت آمیز و میانه ای هستند و از هرگونه افراط و تفریط، یعنی افراط از چپ و راست را در واقع ایزوله می کنند و دست بالا را دارند. از این نقطه نظر فکر می کنم که نظر آقای همایون کاملا درست است.

ش . ط: شما هر دو به این موضوع اشاره کردید که احزاب آتی یا کنونی ایران، چه طبیعتی می توانند داشته باشند. ولی ما هنوز این احزاب را به صورت فرم یافته یا شکل گرفته فکر می کنید که اگر بخواهید این احزاب را داشته باشیم، حالا فرض کنیم که همه هم میانه باشند، چه احزابی خواهند بود آیا يك حزب چپ یا راست، يك حزب ملی، يك حزب اسلامی خواهیم داشت؟ اینها به چه صورتی خواهند بود؟

داریوش همایون: چرا. به این صورت هم خالی نیست عرصه سیاسی، ما داریم، دست کم من از طرف خودمان می توانم عرض کنم که ما يك حزب راست میانه به عنوان حزب مشروطه ایران تشکیل دادیم، ده سال است این به صورت دموکراتیک اداره می شود با انتخابات. يك برنامه بسیار تفصیلی تا آن حد که بتوان در شرایط تبعید چنان برنامه ای داشت، نوشته ایم، منشوری داریم که همه اصولی که به نظرمان می رسد برای پایه گذاری جامعه دموکراتیک لازم است، آنرا این منشور دربر دارد. در نتیجه ما يك برنامه راست میانه و يك تشکیلات منظمی که احتمالاً الان رسیده به ۶۵ شاخه و هسته، در اروپا و آمریکا تشکیل داده ایم و عده بسیار زیادی دارند با صرف وقت و هزینه شان این حزب را می گردانند. در طرف دیگر هم ما احزاب چپ میانه داریم، من وارد تعداد و تشکیلاتشان نیستم.

ش . ط: اجازه بدهید احزاب چپ میانه را با آقای امیر خسروی ادامه بدهیم. فقط از شما يك سؤال دیگر کنم و آن این است که این حزب شما، آیا برنامه ای هم منتشر کردید؟ آیا نام مشخصی هم دارد که هویت به آن بدهد و عضوگیریتان چطور است؟

داریوش همایون: بله نام که حزب مشروطه ایران است و برنامه و اساسش، منشوری است که ۲۰ فصل دارد و این اصول دربرگیرنده همه جوانب مختلف سیاسی و اجتماعی مختلف يك جامعه دموکراتیک است. و يك برنامه تفصیلی روی آن منشور نوشتیم به نام حزبی برای اکنون و آینده ایران که نزدیک ۶۰ صفحه است و بحثهای مختلف را در بر می گیرد و راه حل های خیلی مشخصی درش عنوان شده است و يك ایده ای برای ایران و آینده ایران است که به کلی با وضع کنونی متفاوت باشد، در آنجا طرح شده است و ازش دفاع شده است. يك نشانه مشخصی الان حزب راست میانه دارد.

ش . ط: آقای امیر خسروی شما همین يك چیز مشابهی را در حزب چپ ایران می بینید؟

رامین امیر خسروی: به نظر من اگر قرار باشد آن گرایشهای مختلف یا مولفه های مختلف سیاسی را مورد توجه قرار دهیم، درون کشور و در خارج کشور فرق می کند. یعنی این توضیحی که آقای همایون راجع به حزب مشروطه خواهان ایران دادند، خوب در حال حاضر يك جریان خارج کشور است، کما اینکه بسیاری از سازمانهای سیاسی دیگر هم خارج کشورند، ولی در درون ایران که تحولات آتی در درجه اول، مدیون این احزاب و تشکلهای خواهد بود، خوب يك حالت دیگری دارد که به نظر من مولفه های اصلی آن در حال شکل گرفتن و احیانا بوجود آمدن هستند. برای اینکه جامعه الان دارد از نظر سیاسی تجزیه می شود، تقسیم بندی می شود، تصور من این است که در آینده ای نه چندان دور، يك اپوزسیون قانونی در بیرون از حاکمیت در ایران شکل خواهد گرفت که این عناصرش عبارتند از نیروهای ملی مذهبی، جریانات چپ آزادیخواه و بخشی از عناصر رادیکال همین اصلاح طلبان درون پیرامون حاکمیت. به عقیده من سیاست آینده ایران و تحولات آینده ایران در درجه اول، در اثر تاثیرات يك چنین تشکیلاتی است که عناصرش وجود دارد، ولی هنوز موجودیت پیدا نکرده، من در حقیقت در يك چنین اپوزسیون متشکل قانونی آینده، هم نیروهای ملی مذهبی را می بینم که الان قاطی حاکمیت هستند، نیروهای مثل همین دفتر تحکیم وحدت است، نیروهای دیگری وجود دارند و بخشی از اصلاح

طلبان است که هنوز در درون حاکمیتند، ولی به نظر من با نزدیک شدن انتخابات دوره هفتم، به احتمال زیاد، اینها تجزیه شوند و بهترینشان وارد این اپوزسیون خواهند شد.

ش . ط: آقای امیر خسروی یکی از وجوه این بحث رادیو فردا با شرکت شما و آقای امیر همایون، این است که گرایش سیاسی هردوی شما در ایران، جایی ندارد و هردوی شما از صحنه سیاسی ایران، بیرون رانده شدید. البته اول گرایشی که آقای همایون یکی از نمایندگان آن هستند و بعد هم گرایش شما که تا چند سال هم با جمهوری اسلامی همکاری کردید و بعد سرکوب شدید. ولی آنهایی که شما از شان نام میبرید، در داخل ایران هستند. آیا شما فکر میکنید چپ ایران، گرایشش این است که باز هم در يك اعتراض وسیع نقش بازی کند، یا اینکه اینبار از گذشته درس بگیرد و ترجیح بدهد که یک حزب چپ مستقل با هویت چپ مستقل خاص تشکیل دهد، و یا اگر نمی تواند الان این کار را بکند، صبر کند تا موقعیت برای این کار آماده شود. و از طرفی هم بگذارند آن گرایشهایی که در ایران از شان نام بردیم، خودشان مستقل با هویت خودشان را تشکیل بدهند، نه اینکه هنوز هم همانطور به صورت توده ناشناخته و بی هویتی از اپوزسیون باشند. شما هنوز هم از کلمه اپوزسیون به جای حزب استفاده می کنید.

رامین امیر خسروی: عرض کردم، يك نگاهی به درون کشور دارم، که خوب تحولات آینده خیلی وابسته به آن هست، چون ما در خارج از کشور، هر قدر هم مهم بوده باشیم، اگر نتوانیم با داخل ایران پیوند بخوریم، و يك نیروی تقریباً واحدی را بوجود بیاوریم، مسلماً نمی توانیم نقش تعیین کننده ای داشته باشیم.

ش . ط: ولی آقای امیر خسروی آیا قبول دارید که این وحدت در تناقض با وجود احزاب مخالف یکدیگر در صحنه دموکراسی است و شما هنوز به جای اینکه به سوی جدایی احزاب و مبارزه انتخاباتی آنها به صورت دموکراتیک میل کنید، به سمت يك وحدتی می روید که در اساس و از نظر تئوریک، غیر دموکراتیک است. شما به نیروهایی اشاره می کنید که در درون حکومت هستند. فکر نمی کنید بین آنها و شما به عنوان دو حزب، تفاوت وجود دارد؟

رامین امیر خسروی: من عرض کردم که الان در درون حکومتند. گفتم اینها تجزیه خواهند شد و از حاکمیت بیرون خواهند آمد و خواهند پیوست به کسانی که هم اکنون در خارج از حاکمیت هستند. آن اپوزسیون قانونی که من در ایران از شما صحبت می کنم، اپوزسیونی است که اساساً جایگاهش در خارج از حاکمیت است، یعنی با توجه به تحولات اخیر ایران که کاملاً پیدا است که هرگونه امکان اصلاحات از بالا به بن بست خورده، طبیعتاً راه حل‌های آینده را باید در خارج از حاکمیت جستجو کرد. من این را کاملاً مستثنی می کنم، منظور من از این ائتلاف، ائتلاف با نیروهایی نیست که اکنون در حاکمیت هستند، بلکه نیروهایی است که اگر اکنون در حاکمیت هستند، از اینها جدا خواهند شد و به نیروهای دیگری خواهند پیوست. اکنون ما در خارج از کشور اتحاد برای جمهوری خواهان را بوجود آوردیم و این اتحاد برای جمهوری خواهان، يك ترکیبی است از چپ‌های معتدل و آزادیخواه و ملیها و تلاش ما این است که وقتی هویت پیدا کردیم که به زودی در چند ماه آینده، کنگره ای خواهیم داشت، وارد تعامل شویم با نیروهای درون کشور. در حقیقت يك پلی بزنییم و يك اتحاد داخل و خارج بوجود بیاوریم که این اتحاد، هدفش، تأمین آزادی و دموکراسی، حاکمیت مردم و جمهور مردم است.

ش . ط: آقای همایون، آنطور که آقای امیر خسروی می فرمایند، معتقدند که چپ ایران، میتواند يك نیروی قابل ملاحظه ای را که در این مدت به هر حال بازیگران صحنه سیاسی بودند، در ایران، با خودش متحد کند یا به سمت خودش جلب کند. آیا شما به عنوان يك نیروی راست و مشروطه خواه، معتقد هستید که بخشی از نیروهای درون ایران، البته منظورم مردم نیست، چون مطمئناً در بین مردم

عادی، شما هواداران زیادی دارید. منظورم کسانی است که در صحنه سیاسی نقش دارند. آیا شما می‌توانید با بخشی از آنها نزدیک شوید، ائتلاف کنید؟ یا آنکه شما خواهان آن هستید که خطوط تحزب سیاسی کاملاً مشخص و جدا از هم باشد؟

داریوش همایون: اشکال اصلی ما با گروه‌های چپ و جمهوری خواه، البته عده ای از آنها نه همشان، من امیدوارم بیشترشان از این خط مشیی که آقای امیر خسروی ترسیم کردند، جدا شوند و ناامید شوند. ولی اشکال اصلی ما همین است که ما نیروی خودمان را به کلی بیرون از این دستگاه حکومتی جستجو می‌کنیم و معتقدیم که تا وقتی جمهوری اسلامی به این صورت هست، فرایند سیاسی در ایران طبیعی و سالم نخواهد شد و ما به نیروهایی متکی هستیم در درون ایران که می‌گویند این نظام باید برود و با یک نظامی چون سکولار و عرفی گرا جانشین شود. ولی در بیرون از ایران ما امیدواریم که عناصری را که در این مسئله اصلی، مسئله روش ما در برابر جمهوری اسلامی، در برابر مجموعه ای که جمهوری اسلامی را می‌سازد، با ما نظر موافق دارند، اینها را جمع کنیم در یک شورای هماهنگی و خیلی داریم تلاش می‌کنیم. موضوع این است که آیا ایران باید برگردد به آن مثلاً یک ساله و یا چند ساله حکومت بازرگان که همه این عناصری که آقای امیر خسروی گفتند، در یک ائتلاف شرکت داشتند، به علاوه کسانی که بعداً قدرت را همه در دست گرفتند، یا اینکه ما دنبال یک نظام سیاسی هستیم که همه را در بر بگیرد. تاثیراتی که آقای امیرخسروی در نظر دارند، بخش بسیار بزرگی از جامعه را نه تنها در بیرون از ایران، بلکه در درون ایران، از این ائتلاف کنار می‌گذارد. ائتلافی است از عناصر دستگاه حکومتی و متحدین سابقشان که اینها بتوانند دوباره دور هم جمع شوند و دوران حکومت انتقالی بازرگان را تجدید کنند. به نظر من این تجربه یک بار شده است و شکست خورده است و زمان گروه‌بندی و صف بندی تازه ای رسیده است، چه در بیرون ایران و بطوری که ما می‌بینیم و از نزدیک و روزانه شاهدش هستیم، و چه در درون که دستها همینطور به بیرون وصل میشود.

ش. ط: آقای همایون سئوالی که اینجا از شما میشود این است که خوب در این چند سال بخصوص در چند سال گذشته یعنی بعد از دوم خرداد، در ایران احزابی تشکیل شدند که در واقع نوعی اپوزسیون واقعی هستند. مثلاً به نوعی حزب مشارکت یا ملی مذهبی که آقای امیر خسروی گفتند. شما فکر می‌کنید در آیند ای که شما برای آینده ایران ترسیم می‌کنید، اینها به صورت احزابی که نه پیوسته به شما، که مستقل از شما، جا دارند که در مبارزات انتخاباتی با شما رقابت کنند.

داریوش همایون: باید جا داشته باشند. بدون وجود همه این احزاب، بدون تکمیل شدن این طیف سیاسی، ما به تنهایی نخواهیم توانست این نظام دموکراتیکی که می‌خواهیم مستقر کنیم، ما می‌ترسیم از اینکه هیچ گروهی به تنهایی دست بالاتر را داشته باشد در ایران. ایران تا مدتهای زیاد، نیازمند همراهی است، و این همراهی باید میان عناصر مختلف باشد. ولی در این کانسرسیس، اصل نظام دموکراسی لیبرال است. یعنی یک حکومت اکثریتی که با نظام حقوق بشر و با اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقهای پیوسته به آن، محدود شود. و این است که این ائتلافی که الان صحبتش شد، با توجه به اعتقادش به جمهوری اسلامی، مسلماً از آن بابت کسر می‌آورد و کافی نیست برای آینده ایران. یک دلیل بسیار ساده اش این است که گروه بسیار بزرگی را کنار می‌گذارد و حذف می‌کند.

رامین امیر خسروی: ببینید این مسئله خیلی اساسی است. آقای همایون می‌فرمایند ما می‌گوییم برود. این برود، چطور برود؟ آیا برود به شیوه عراق و جاهای دیگر؟ یعنی یک نیروی خارجی بیاید و به زور نیروی خارجی جمهوری اسلامی باید برود؟ یا این باید نتیجه مبارزات درونی و داخلی مردم ایران باشد؟ این به نظر من دو مفهوم مختلف است از تحول و تغییر. این حرف به هیچ وجه درست نیست که ما طرفدار جمهوری اسلامی هستیم. این واقعا حتی من می‌توانم بگویم که این نابجا است. من عرض

کردم که ما طرفدار جمهور مردم هستیم. در آن سند پایه ما قید شده که ما مخالف ولایت فقیه هستیم، اصلاً هرگونه حاکمیتی که در آنجا از طرف خدا باشد یا موروثی باشد، ما با اینها مخالف هستیم. بنابراین واقعیت این است و اشکال کار در این است که این تغییر از وضعیت کنونی حاکم بر ولایت فقیه به جمهور مردم، چگونه باید صورت گیرد؟ اگر قرار است که این با مبارزات سیاسی مسالمت آمیز مردم باشد، در این صورت آنوقت آرایش قوا خیلی فرق می کند. یعنی به این مناسبت ما نسبت به بخشی از این اصلاح طلبانی که اکنون در دولت هستند، نمی توانیم بی تفاوت بمانیم. این به معنای تایید جمهوری اسلامی نیست. این به معنای تایید نیروی سیاسی است. بنابراین حزب مشارکت اسلامی، یک جریان سیاسی است که این کاملاً می تواند از این حاکمیت ببرد و لااقل بخشهایی از آن ببرند و بیایند به طرف جریاناتی که خواستار جمهور مردم هستند.

ش . ط: آقای امیر خسروی چرا بیایند به طرف جریانهای دیگر؟ چرا خودشان یک جریان مستقل نباشند؟

رامین امیر خسروی: این مانع الجمع نیست. من وقتی می گویم بیایند به این طرف، به معنای حل شدن نیست. ما وقتی می گوئیم دست وحدت دراز می کنیم، به معنای این نیست که هویت خودمان را از دست می دهیم. هرکس در جای خودش، جریان چپ آزادیخواه، در جای خودش...

داریوش همایون: ببخشید اجازه بدهید. دو سه موضوع اینجا به اشتباه عرضه شد، اجازه بدهید من توضیح بدهم. یک اینکه ما به هیچ وجه نگفته ایم که ما تنها نیروی جایگزین هستیم. من تاکید کردم به اینکه ما هراس داریم از اینکه یک گروه انحصار قدرت را داشته باشند.

رامین امیر خسروی: ببخشید ولی اگر شما سلطنت می خواهید، عملاً محدود می کنید.

ش . ط: شما هم وقتی جمهوری می خواهید، محدود می کنید.

داریوش همایون: ما یک جایگزین احتمالی رژیم جمهوری اسلامی هستیم و میل داریم که دیگران هم در برابر ما باشند، به شرط اینکه جزء جمهوری اسلامی نباشند، چون که ما دنبال یافتن یک جایگزین در جمهوری اسلامی هستیم، ما دنبال کنار آمدن با هیچ بخشی از جمهوری اسلامی نیستیم. در این مسئله البته بین ما بحث بسیار زیاد است. دوم اینکه وقتی شما می گوئید که یا نیروهای ملی مذهبی و حزب مشارکت و اینها ائتلافی تشکیل می دهید، موضوع این است که کسانی جز خودتان را اجازه می دهید در آن کشور فعالیت سیاسی کنند؟ یا منحصر است به خودتان؟ مسئله دموکراسی و دیکتاتوری و انحصار طلبی و اعتقاد به جمهور مردم و مردم، اینجا روشن می شود. ما می گوئیم ما با ورود همه نیروهای سیاسی، از جمله طرفداران جمهوری اسلامی در عرصه انتخابات و عرصه همه پرسى موافق هستیم. آیا این ائتلافی که آقایان و احتمالاً خانمها در نظر دارند، در میانشان، آیا اجازه می دهد که کسانی غیر از خودیها یا خودیهای پیشین وارد این میدان شوند یا خیر؟ باید عرض کنم که هیچ اشکالی ندارد که یک حزب سیاسی، از پیش همه خواستهای خودش را عنوان کند و مردم را فرا بخواند که به آن خواستها رای بدهند، اما اگر بگوئید که من به رای اکثریت مردم گردن می گذارم، این دیگر جنبه تعیین تکلیف ندارد. ما گفته ایم که ما طرفدار پادشاهی مشروطه هستیم، به شرط آنکه مردم ایران به آن رای بدهند. اگر مردم ایران به پادشاهی مشروطه رای ندادند، ما تابع رای اکثریت مردم ایران هستیم و از قانون یک جامعه دموکراتیک که از رای مردم برخاسته است، دفاع خواهیم کرد.

ش . ط: آنوقت آقای همایون نام حزبتان را عوض می کنید؟

داریوش همایون: نه به هیچ وجه. اتفاقا اشکال همین است. شما فکر می کنید که مشروطه یعنی پادشاهی مشروط. ما مشروطه را در معنای انقلاب و جنبش مشروطه می گیریم. یعنی جنبش تجدد و نوسازی ایران. ما دنبال تجدد و نوسازی ایران هستیم. شکل حکومت به نظر ما، دو یا سه درصد برنامه ما را تشکیل می دهد. اگر منشور حزب ما را بخوانید، ۹۷-۹۸٪ آن مربوط است به مسائل توسعه ایران، نوسازی ایران، نوسازی فرهنگی ایران و اصلاح ربطی به شکل حکومت ندارد.

رامین امیر خسروی: به نظر من بسیار بدیهی است که کسانی که آزادیخواه هستند و برای جمهور مردم صحبت می کنند، یکی از ضرورت‌های باور به آزادی، احترام به آزادی دیگر اندیش است. حتا مخالف.

ش. ط: این موضوعی بود که من فرض کردم شما هر دو با آن موافق هستید و در مقدمه صحبت گفتم.

رامین امیر خسروی: بله من هم می گویم که بدیهی است. آن انحصار دیگر نیست، اصلا استبداد است، اگر ما بیاییم بگویم اگر هر کس جز ما فکر میکند، حق حیات ندارد، آن دیگر آزادی نیست. ما طبیعتا مخالف هیچ جریان سیاسی، بخصوص اگر به راه‌های ساسی مسالمت آمیز معتقد باشد، چون وقتی يك جریانی مانند مجاهدین از طریق ترور و راه‌های قهرآمیز و دور می خواهد به قدرت برسد، خوب طبیعتا ما مخالف این جریان هستیم. ولی اگر همین سازمان مجاهدین هم به مبارزه سیاسی روی بیاورد، ما از حمایت می کنیم و دفاع می کنیم، چه برسد به يك جریانی که می خواهد يك مشروطه سلطنتی بیاورد.

ش. ط: خوب حالا ما دیگر تقریبا به پایان برنامه رسیدیم. اجازه بدهید من يك جمع بندی کوتاه از این بحث کنم و ببینم آیا آقایان با آن موافق هستید یا نه. و آن این که در حال حاضر دو نحله یا دو حزب چپ و راست تحت نامهای مشروطه خواهان و جمهوری خواهان، اگرچه در بطن نام خودشان، نوع حکومت آینده را از پیش تعیین کردند، اما با این حال تعیین نوع حکومت را در يك همه پرسی به مردم می سپارند. و اگر مردم به مشروطه سلطنتی رای دهند، جمهوری خواهان، و اگر به جمهوری خواهان رای دهند، مشروطه خواهان، خودشان را بیشتر از يك حزب نمی دانند و به رای مردم گردن می گذرانند. درست است؟

داریوش همایون: بله خانم. من حتی می خواهم اضافه کنم که ما هم اکنون ما مشغول مذاکرات عمده ای هستیم، با بخش عمده ای از جمهوری خواهان که نمی خواهند با عناصر اسلامی در حکومت هیچ ائتلافی کنند و مثل ما می گویند این حکومت باید برود و وقتی ما می گویم که حکومت باید برود، دلیل نیست که می خواهیم افغانستان و عراق شود. ما تجربه ای از فیلیپین تا آلمان شرقی را در پس داریم و هرکدام از آن سناریو ها می تواند در ایران انجام گیرد. نیروی مردمی به نظر ما برای سرنگون کردن این رژیم کافی است و نیازی به هیچ مداخله خارجی نیست.

ش. ط: آقای امیر خسروی آیا شما هم با این جمع بندی موافق هستید؟

رامین امیر خسروی: جمع بندی شما کاملا درست است. بیان حرف کسانی است که به آزادی واقعا به معنای واقعی آن، یعنی آزادی دیگر اندیش باور دارند. البته حرفهای دیگری است که فرصت بیشتری می خواهد که امیدوارم در فرصتهای آینده.